وخدای امانت بچیزها که موجود است در سینه‌ها یعنی اسرار و خفیات این سخن هم وعده و هم وعید است و هم بر وعید مشتمل و در خواص القرآن آمده که
این آیه جامع مجموع حروف تهجی است بهر نیت که صد و چهارده نوبت بخوانند و اگر نتوانند هشتاد و سه بار و از بیست و هشت کم نشاید
البته مراد و مقصود حاصل و میسر گردد باذن الله تعالی پس بر تمهید عذر منهزمان احد میگوید إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ هر آینه آنکسانی که روی بگردانیدند
از شما و بهزیمت رفتند يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ آن روز که روبروی آوردند دو گروه یعنی مسلمانان و کافران در حرب احد إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ
جز این نیست که بلغزانید ایشان را دیو سرکش یا از ایشان طلب لغزش کرد و فرمان وی بردند یا ایشان را بران زلت داشت بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا
بشامت برخی از آنچه کرده بودند یعنی مخالفت امر رسول الله صلعم و گناه بعد از گناه عقوبت گناه اولست و گفته‌اند زلت آن بود که مراکز را
در جنگ بدر فروختند و فدا بستدند حق سبحانه از روی کرم اعتذار گریختگان احد نموده میفرماید که فرار مسلمانان نه از روی نفاق و معاندت
بود بلکه بواسطه وسوسه شیطان پای ثبات ایشان از مرکز تمکن بلغزید در معالم آورده که اکثر مسلمانان دران روز روی از حرب برتافتند
الا سیزده تن که در موقف قتال توفیق ثبوت یافتند شش تن از مهاجر و هفت تن از انصار اما مهاجران امیر المؤمنین علی و صدیق و فاروق
و طلحه و عبد الرحمن و سعد و در تفسیر و اسید بن حضیر و سعد معاذ رضی الله عنهم در بصائر آورده که ذو النورین تا کوه جلعب که در ناحیه مدینه است برفت
و بعد از سه روز باز آمد و بعضی منهزمان پنهان بکوهها بر رفتند و جمعی بمدینه رفتند و بخانهای خود در آمدند و زنان خاک بر روی ایشان می‌پاشیدند
و طعنه زنان میگفتند أَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ تَفِرُّونَ امروز روی از حضرت بگردانید دیگر بچه نوع در روی او خواهید نگریست بیت از
کسی که روی بگرداند روی از وی بگرداند و دیده بپوشند ... عجب حالتی که مردمان گریختگان را ملامت میکردند و حق سبحانه بنواخت کرامت
عفو نموده خبر داد که وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ و بدرستی که حق سبحانه درگذاشت عَنْهُمْ از ایشان این گناه را بجهت توبه یا اعتذار ایشان
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ بدرستی که خدای آمرزگار است و پوشاننده گناهان بسیار حَلِيمٌ بردبار است و تعجیل نکند بعقوبت گناهکاران
آمده که یکی از خوارج ابن عمر را پرسید و عثمان بن عفان بجنگ بدر آمده بود گفت نی در مدینه بعیادت زینب خاتون رضی اشتغال داشت
دیگر باره سوال کرد که در بیعه رضوان حاضر بود جواب داد که نی او را برسالت بمکه فرستاده بودند باز پرسید که از جنگ احد بگریخت گفت
آری و بسیار از اصحاب بگریخته بودند خارجی خاموش شد یکی از حضار مجلس ابن عمر را گفت این کس بدینها که می‌پرسید عیب عثمان میجوید
او میگوید عبد الله بن عمر گفت خارجی گفت غلط کرده اگر عثمان در بدر حاضر نشد پیغمبر صلی الله علیه وآله او را سهمی از غنیمت بدر داد چنانچه حاضران را
داده بود و اگر در بیعت رضوان نبود حضرت رسالت صلی الله علیه وآله دست خود را دست عثمان و بید رسول الله خیر من ید عثمان و اگر از
احد از الجمله بود و تولوا منکم یوم التقی الجمعان از آنکه حق تعالی میفرماید وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ پس گفت برخیز خواب سبک و بطل عملک
سعی تو که در مذمت ذو النورین میکردی بجای نرسید و عمل که درین باب بجای آوردی ضایع و باطل گشت ای عزیز حق سبحانه ذو النورین را
خلعت تشریف أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ پوشانیده و خاتم النبیین صلوات الله علیه او را بشربت تعریف و یقینی فی الجنة عثمان
بمذمت خارج و عقیقه ... نقصان فضائلش ذلتی نخواهد رسید بعد از ذکر قصور منهزمان و بیان عفو از جریمه ایشان مؤمنان را
از آنکه گفتار چون گفتار منافقان بر خاطر ایشان خطور نماید و میفرماید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ای گروه گرویدگان لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا

باشه

مباشید مانند آن کسان که نفاق ورزیدند درین خطاب مؤمنان را نوازش است و کافران را گدازش و دستان از آنهاست و تنبیه
و اهانت میگوید ای مؤمنان خوی کافران مگیرید که ایشان را مانند کافرانند و شما خوانندگان ای مخلصان راه منافقان مروید که ایشان
گردن زدنی پکالی‌اند و شما در بوستان گلی بیت حیف باشد باز را با جغد کردن همنشین * سنگ باشد لعل را با سنگ دون ...
مراد ازین کافران ابن ابی و اصحاب او بودند که در باب تخلف از جهاد شبهه انگیختند وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ و گفتند برادران
خود را اعم از نسبت که نسبی باشد یا سیما إِذَا ضَرَبُوا چون برفتندی و در عین المعانی ... یعنی ... مرکا و سیر کردندی
فِي الْأَرْضِ در زمین برای تجارت و بمردندی أَوْ كَانُوا غُزًّى یا بودندی غازیان و جهادکنندگان و کشته شدندی لَوْ كَانُوا
مقول قالوست یعنی میگفتند بعد از موت و قتل اخوان که اگر بودندی مقیم عِنْدَنَا نزدیک ما و بسفر و غزو نرفتندی مَا مَاتُوا
وَمَا قُتِلُوا نمردندی و دران سفر و کشته نگشتندی دران حرب این سخن از ایشان تکذیب قدر است پس مخالفت ایشان کنید از
قول لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ تا گرداند خدای آن مخالفت شما را با آنکه میگویند و گمان میبرند که اگر با ما بودندی تلف نشدندی حَسْرَةً
غمی و دریغی و اندوهی فِي قُلُوبِهِمْ در دلهای ایشان چه بعد از انکشاف حقیقت آنست که این را لام عاقبت داشته‌اند و گفته‌اند
که عاقبت گفتارشان اینست که خدای آن را حسرتی گرداند در دلهای ایشان چه بعد از انکشاف این شبهه اخوان ایشان از جهاد تخلف نمودند
و مؤمنان علی رغم ایشان بغزوات اشتغال فرمودند و بدان سبب غنائم بسیار بدست آوردند و اعادی را پامال قهر کردند و بحصول
و وصول بمأمن کامرانی فایز گشتند و متخلف با ناصح خود در مضیق ناامیدی و حسرت بماندند بیت اکنون ... خاک بسر باد بدست
یا در قیامت که بخصیص مجاهدان مزید کرامات و علو درجات مشاهده کنند و اختصاص اهل نفاق بزیادتی خزی و شقاق و هبوط در
درکات بعد و فراق ببینند حیرت و حسرت بر ایشان غالب گشته فریاد یا حسرتا علی ما فرطت بر کشند ابو الغیث رحمه الله آورده که حسرت
ایشان آنست که ارواح شهداء مؤمنان در حواصل مرغان سبز بالست در هوای بهشت پرواز میکنند وَاللَّهُ يُحْيِي و خدای زنده میسازد
بزرگی و تدبیر و حصه از مقتضیات تقدیر وَيُمِيتُ و میمیراند بسفر و جهات و قعود از قتال محاربت یا محیی قلوب مؤمنانست بنصرت و ازدیاد
قوت و صفات اعتقاد و ممیت دلهای کافرانست بشکاکی در ریب و تخلف از جهاد یا احیاء دلهای دوستان میکند بانوار لوامع جمال
و اماتت قلوب دشمنان مینماید بآثار سواطع جلال وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ و خدای آنچه شما میکنید ای مؤمنان بَصِيرٌ بیناست ترغیب
میکند اهل ایمان را تا با منافقان مماثلت نورزند یا ترغیب ایشان را تا از طریق خیرات و مبرات نلغزند و اگر بغیبت خوانند تهدید منافقان
و وعید ایشانست تا عنان نفس از قبضه اختیار نگذارند و کار خود را بصفوت عقیدت با صلاح آورند که در ما فیض بمفاتیح خلوص نیت
بگشاید و از ظلمت نفاق خبر کی چشت در حرمان روی مینماید بیت هر که در دست دلش سرمایه اخلاص نیست * بر سر بازار عشق از
بندگان خاص نیست * و بعد از امر بجهاد و تحریص بر غزو که مانعست از لذات دنیویه ارواح میکند خبری که باز آن مسرات و طریق تاکید
وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ لام قسمست یعنی بخدای که اگر شما ای مؤمنان کشته شوید فِي سَبِيلِ اللَّهِ در راه خدای یعنی در جهاد أَوْ مُتُّمْ یا بمیرید در حضر یا
در سفر از واقعه ... کشف اسرار آورده که مرگ یا در راه خدا باشد یا در راه شیطان آنکه فی سبیل الله باشد دو قسم است یکی مرگ شهدا

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)